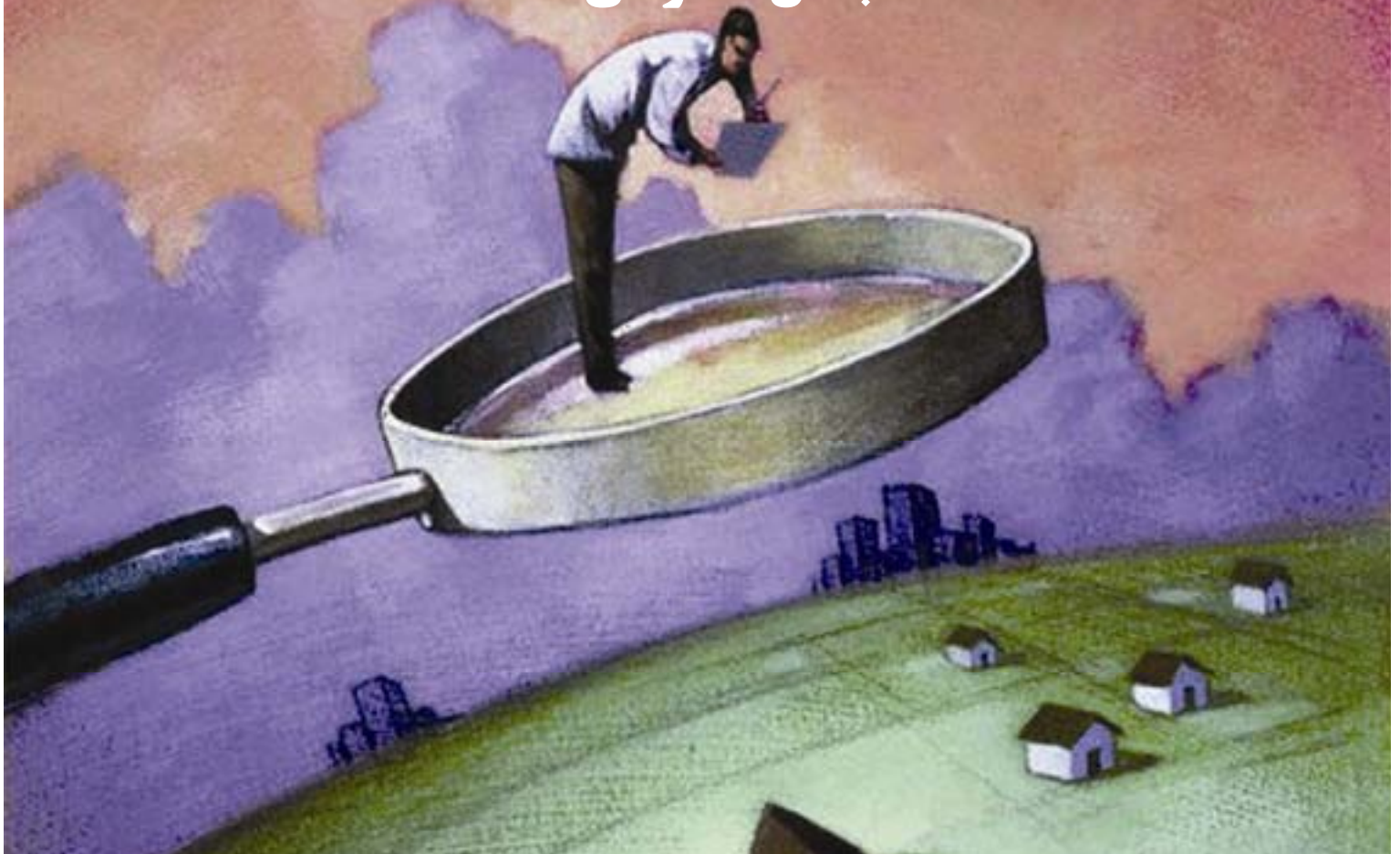


# طرح تغییر ساختار بانکی زیر ذره بین

## بخش خصوصی



### مقدمه:

چندی پیش طرحی با عنوان برنامه تحول ساختاری در نظام بانکی کشور از سوی حسین صمصامی، سرپرست وزارت اقتصاد و دارایی اعلام شد که به گفته وی، از امسال و با تایید رییس جمهور به صورت پنج ساله و آزمایشی اجرایی خواهد شد.

براساس پیش نویس آیین نامه این طرح که هنوز به تصویب دولت و معاون اول رییس جمهور نرسیده است، بانک‌های دولتی با یکدیگر ادغام شده و در قالب بانک قرض الحسنه فعالیت خواهند کرد و بانک‌های تخصصی نیز پس از ادغام به عنوان بانک سرمایه‌گذاری ادامه کار خواهند داد.

براساس این طرح، بانک‌های تجارت، صادرات و ملت ادغام شده و بانک قرض الحسنه مهر تشکیل می‌شود و همچنین بانک‌های سپه و رفاه کارگران نیز با عنوان دیگری تشکیل بانک قرض الحسنه خواهند داد و بانک‌های صنعت و معدن و توسعه صادرات در قالب بانک سرمایه‌گذاری به کار خود ادامه می‌دهند و گفته شده بانک ملی نیز در زمره بانک‌های قرض الحسنه جای خواهد گرفت.

شاید بیشترین توجه باید به اهداف این طرح معطوف شود که هدف از تحول در ساختار بانک‌ها را فراهم کردن شرایط لازم برای هدایت نقدینگی به سقف فعالیت‌های مولد عنوان کرده و اینکه وقت آن رسیده که سیستم بانکی به گونه‌ای متحول شود که نه تنها ضوابط و چارچوب‌های آن اسلامی باشد بلکه کمترین شبهه ربوی نیز در آن وجود نداشته باشد.

از سوی دیگر، گسترش فرهنگ قرض الحسنه نیز از دیگر علل عنوان شده برای طراحی این طرح است که سبب افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها و گسترش تعمیق بازار سرمایه و هدایت نقدینگی به سمت تولید در کشور می‌شود.

به طور مثال، دریافت کارمزد از مشتریان بانک در قبال ارائه خدمات بانکی به عنوان منبع درآمد بانک در راستای کاهش وابستگی آنها به نرخ سود از راهکارهای ارابه شده در این طرح است.

حال باید بررسی کرد که آیا طرح یاد شده با تمام خصوصیتی که برای آن ذکر شد، به واقع قادر به تحقق بخشیدن به اهداف یاد شده خواهد بود و اینکه آیا به طور کلی اهداف ترسیم شده، توجیه کننده مناسبی برای ایجاد تغییری عظیم و بی سابقه در ساختار بانکی کشور هست یا خیر؟

ما برای بررسی اثرات این طرح به سراغ چند تن از دست اندرکاران بخش خصوصی در این رابطه رفتیم و نظر آنها را درخصوص طرح یاد شده، نقاط قوت و ضعف آن و به طور کلی، میزان مفید بودن آن در صورت اجرا شدن، جویا شدیم که در ادامه از نظراتان می‌گذرد.



### ✓ مهدی پور قاضی:

به طور کلی بانک‌های  
قرض الحسنه در کل سیستم  
بانکداری دنیا سهمی ۲ تا ۵ درصدی  
دارند، بنابراین اگر ما تمام بانک‌های  
غیر تخصصی را ادغام و تبدیل به  
بانک قرض الحسنه کنیم، سیاست  
بسیار اشتباهی خواهد بود.

سیستم بانک با مکانیزم اقتصاد آزاد کار کند و اگر دولت این شرایط را بپذیرد، مشکل بزرگ تعیین نرخ سود بانکی برطرف می‌شود و مشتری‌های بانک نیز براساس نرخ بازدهی سرمایه با بانک به توافق می‌رسند که چه میزان تسهیلات دریافت کنند و به این ترتیب بسیاری از چالش‌های اقتصادی برطرف می‌شود.

**مسعود خوانساری**، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران و تهران نیز معتقد است: نخست باید قبول کرد که بانک‌ها بنگاه اقتصادی هستند و بنگاه اقتصادی نیز باید سود بدهد زیرا در غیر اینصورت به بنگاه خیریه تبدیل می‌شود.

وقتی قرار است که براساس سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی کشور، بانک‌ها به بخش خصوصی واگذار شوند، سود دهی آنها اهمیت دو چندان پیدا می‌کند چرا که نمی‌توان بنگاهی را که سوددهی ندارد، واگذار کرد زیرا کسی تمایل به خرید آنها نخواهد داشت و یکی از انگیزه‌های مهم در خریداران میزان سوددهی بنگاه‌ها است، بنابراین نفی نقش سود دهی بانک‌ها به هر علتی در تناقض آشکار با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی سازی در کشور خواهد بود.

وی می‌افزاید: از آنجایی که یکی از اهداف طرح یاد شده حذف ربوی بودن فعالیت بانک‌ها اعلام شده، لازم است که ابتدا تعریف دقیق و مشخصی از ربا ارایه شود و از نظر من در زمانی که بانک مرکزی میزان تورم موجود در کشور را ۲۰ درصد اعلام می‌کند، به معنی این است که ارزش پول به

مشمول طرح اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری به بخش خصوصی شده است، سیاستگذاری کرد زیرا، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای آنها باید به وسیله مالک جدید آنها صورت گیرد اما ادغام بانک‌ها که سبب بروز مشکل در امر واگذاری‌ها خواهد شد، تنها باعث تصدی طولانی‌تر دولت می‌شود که خلاف سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و فرمان مقام معظم رهبری است.

این عضو کمیسیون بانک و بیمه اتاق بازرگانی ایران می‌افزاید: چند سال پیش، قرار شد قانون بانکداری بدون ربا به صورت آزمایشی و به مدت پنج سال به مرحله اجرا درآید، اکنون حدود ۲۰ سال از آن طرح می‌گذرد اما هنوز تکلیف آن مشخص نشده است و ابهام و ناکارآمدی آن سبب لطمه خوردن همه شده است.

بنابراین، برای اصلاح ساختار بانکی ابتدا باید تعریف مشخصی از ربا ارایه شود و در کل بهتر است کارها به صورت مشارکتی انجام شود و نرخ سود بانکی براساس میزان عرضه و تقاضا بین بانک و گیرنده تسهیلات تعیین شود و اگر علما این شرایط را بپذیرند، قدم بسیار بزرگی برای بهبود ساختار بانکی برداشته شده است.

پور قاضی معتقد است، نتیجه اجرای چنین طرحی و ادغام بانک‌های غیرتخصصی در یک بانک قرض الحسنه، کاهش حجم سپرده‌گذاری مردم به بانک‌ها و هدایت سرمایه مردم به سمت کالاهای بادوام مانند اتومبیل، مسکن، سکه، ارز و طلا خواهد بود و در مجموع سپرده‌های جمع نمی‌شود تا به سرمایه‌گذاری اختصاص یابد و این شرایط اثرات بسیار منفی در پی خواهد داشت.

مشکل ارایه تسهیلات نقدی به واحدهای تولیدی به اسم بانک ربطی ندارد، واقعیت این است که تسهیلات و نقدینگی کافی نیست و برخلاف نظر برخی، مشکل حتی میزان نرخ تسهیلات نیست بلکه این است که تسهیلات وجود ندارد و یا به افراد فعال در بخش‌های تولیدی داده نمی‌شود و اگر هدف از ارایه چنین سیستم بانکی کمک به واحدهای تولیدی اعلام شده، باید گفت تنها یک شعار است و واقعیت با طرح ارایه شده بسیار متفاوت است، زیرا نتیجه واضح کاهش سپرده گذاری در بانک‌ها، پراکندگی منابع مالی است.

به گفته وی، اکنون طرحی در اتاق تهران در مورد نرخ تسهیلات بانکی تصویب شده است که اگر انجام شود، می‌تواند بسیار مفید باشد. این طرح چند بند بسیار مهم دارد و یکی از آنها این است که نرخ بهره بانکی براساس میزان عرضه و تقاضا میان بانک و مشتریان توافق شود و دولت هر مقدار که قصد ارایه یارانه دارد را در بودجه در نظر بگیرد و به هر بخش که در نظر دارد، بدهد تا



### ✓ مسعود خوانساری:

اگر به بانک به عنوان یک  
بنگاه اقتصادی نگاه کنیم، مسایل  
را بهتر متوجه خواهیم شد و سوال  
اینجا است که یک بانک چطور  
می‌تواند به سپرده مردم ۱۸ درصد  
سود بدهد اما وام را با بهره ۱۲  
درصد ارایه کند؟

**مهدی پور قاضی**، عضو کمیسیون بانک و بیمه اتاق بازرگانی ایران و تهران معتقد است، طرحی که با عنوان اصلاح ساختار بانکی از سوی وزیر اقتصاد و دارایی ارایه شده، بسیار خام و مبهم است و به نظر می‌رسد توسط کسانی تهیه شده که در کار بانک و بانکداری تجربه‌ای نداشته‌اند.

وی می‌گوید: بانک‌های قرض الحسنه اکنون نیز در دنیا وجود دارند اما کارهای عمده بانکی را انجام نمی‌دهند و باید متوجه بود که از بین بردن بانک‌های دیگر لطمه سنگینی به سیستم بانکی کشور وارد کرده و موقعیت آنها را تضعیف می‌کند.

به گفته پور قاضی، بهتر است اول مطالعه و بررسی درخصوص اینکه بانک‌های قرض الحسنه چقدر موفق عمل کرده‌اند و چقدر توانسته‌اند در ارایه تسهیلات به مشتریان خود موثر عمل کنند، صورت گیرد زیرا به طور کلی بانک‌های قرض الحسنه در کل سیستم بانکداری دنیا سهمی ۲ تا ۵ درصدی دارند، بنابراین اگر ما تمام بانک‌های غیر تخصصی را ادغام و تبدیل به بانک قرض الحسنه کنیم، سیاست بسیار اشتباهی خواهد بود.

به عقیده وی از سوی دیگر، ادغام بانک‌های سرمایه‌گذاری نیز تصمیم نادرستی است زیرا برخی از بانک‌ها براساس مصوبه باید به بخش خصوصی واگذار شوند و ادغام آنها سبب سنگین تر شدن حجم سرمایه‌گذاری می‌شود که در نتیجه روند انتقال آنها به بخش خصوصی را مشکل تر خواهد کرد، بنابراین به هیچ روی نباید برای بانکی که



✓ **احمد ترک نژاد:**  
**از آنجایی که بانک تنها زمانی می‌تواند موفق باشد که قادر به جذب منابع باشد، اعمال چنین سیاستی می‌تواند لطمه جدی به ساختار بانک و بدنه اقتصادی دولت وارد کند.**

بارترین معاملات ربوی که در نتیجه محدود کردن تسهیلات و بهره بانکها است، پاک شود.

به گفته ترک نژاد، در غیر اینصورت و در صورتی که بانکها تسهیلات ارایه ندهند، بازار غیر متشکل نزول و ربا توسعه پیدا می‌کند که جزو مفسده آمیزترین کارها در حوزه کسب و کار است که نه تنها بنیان‌های دینی جامعه را ریشه کن می‌کند بلکه به ساختار اقتصادی و مالی کشور نیز لطمه وارد می‌کند.

اگر نرخ بهره پایین اعمال شود، یا باید سپرده‌گذاری‌ها به سمت حضور در بازار ربوی به صورت نزول بروند و یا باید به دریافت همین نرخ بهره بانکی تن بدهند و از آنجایی که ثروتمندان پول در بانک نمی‌گذارند و تنها پول می‌گیرند و بیشتر سپرده‌گذاری‌های اینچینی به فقرا و افراد کم درآمد مربوط می‌شود که سرمایه‌های کوچک خود را در بانک می‌گذارند، انجام این کار تنها این قشر را از حداقل سود نیز بی‌بهره می‌کند، پس نخستین لطمه از اعمال این سیاست‌ها به بدنه قشر ضعیف و کم درآمد وارد می‌شود و از سوی دیگر، سبب گرایش کارمندان بانک‌ها به سمت رانت خواری می‌شود و در واقع آثار شوم چنین سیاست‌هایی در واقع، توسعه اعمال گناه آمیز، محدود کردن منافع فقرا و بسترسازی برای آسوده شدن کارکنان بانک‌ها است.

وی عقیده دارد، انجام و اعمال چنین طرحی کمکی به تامین نقدینگی مورد نیاز بخش تولید نمی‌کند زیرا بانک‌ها باید منابع مالی داشته باشند تا به صورت تسهیلات به بخش تولید ارایه کنند اما

امروز با یک واحد پول سال آینده ارزش برابر دارد؟ تنها اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد و همچنین شاخص‌ها به گونه‌ای باشد که نرخ تورم صفر باشد، نظام بانکی قرض‌الحسنه می‌تواند جذاب و مفید فایده باشد و طرح ادغام بانک‌ها امکان پذیر خواهد بود.

وی می‌افزاید: اما از آنجایی که بانک تنها زمانی می‌تواند موفق باشد که قادر به جذب منابع باشد، اعمال چنین سیاستی می‌تواند لطمه جدی به ساختار بانک و بدنه اقتصادی دولت وارد کند. وقتی چنین فضایی در جامعه وجود ندارد و به گزارش بانک مرکزی حداقل نرخ تورم بیش از ۱۸ درصد و اردیبهشت ماه بیش از ۲۰ درصد بوده است، آیا منابع مالی برای جمع و ذخیره شدن باقی می‌ماند؟ بد نیست یادآوری شود در مورد اینکه چقدر از منابع مالی موجود در سیستم بانکی کشور مربوط به حساب‌های قرض‌الحسنه است. پس شرایط شاخص‌های کلان اقتصاد مانند رشد نقدینگی، افزایش قیمت‌ها، نرخ تورم و ... مانع از این است که مردم بپذیرند ارزش پولشان در طول زمان تغییر نمی‌کند. از سوی دیگر، اکنون در کشور بنیان‌های تئوریک برای شکل‌گیری بانک قرض‌الحسنه که بتواند منابع را جمع کند، وجود ندارد.

ترک نژاد اعتقاد دارد: همچنین زمانی که شرایط بانکی صرفاً قرض‌الحسنه نبود نیز بانک‌های دولتی زیانده بودند و با منحصر کردن فعالیت آنها در قالب قرض‌الحسنه به مراتب زیان‌ده‌تر نیز می‌شوند و باید توجه داشت هر تصمیمی نیاز به محرک لازم برای آن دارد بنابراین در فضای فعلی و با این شاخص‌های کلان و تورم، چطور می‌توان مردم را وادار کرد که پول و سرمایه خود را در بانک بگذارند که در سال پس از آن ارزش خود را از دست بدهد.

وی می‌افزاید: در اصل ۴۴ قانون اساسی به طور کامل مشخص شده است که در حوزه بانک‌ها و بیمه‌ها چه اقداماتی باید انجام شود. در همین رابطه، در بانک‌های تخصصی که مسوولیت‌های توسعه‌ای دارند، واگذاری انجام نمی‌شود و خصوصی سازی و واگذاری در بانک‌های غیر تخصصی انجام می‌شود اما باید متوجه بود که اگر بانک‌ها تبدیل به قرض‌الحسنه شد اما نتیجه لازم به دست نیامد، در امر خصوصی‌سازی آنها مشکل ایجاد می‌شود، بنابراین باید تلاش کنیم تا ابتدا بانک‌ها را خصوصی کرده و یا بانک‌های خصوصی را توسعه دهیم زیرا انجام این کار کمک می‌کند بانک‌ها بتوانند در مولفه‌های بسیار مهم و در فضای رقابتی فعالیت کنند و خود این مساله سبب می‌شود که جامعه به طور جدی از یکی از گناه

همین میزان کاهش یافته است و در این شرایط اقتصادی و زمانی اگر بانکی ۱۸ درصد سود بدهد، نمی‌توان آن را ربا تعریف کرد، زیرا شرایط اقتصادی و زمانی اکنون با سال‌های قبل متفاوت است و به طور طبیعی اقتضائات متفاوتی نیز دارد و در چنین زمانی، انجام این کار به طور کامل غیر اقتصادی است، اما اگر مقوله ربا به طور کامل تعریف شود و مشخص شود که سوددهی تا چه اندازه بالای تورم ربا است و در چه میزان نیست، ارزش واقعی آن مشخص شده و شبهات فعلی از میان می‌رود.

خوانساری تاکید می‌کند: باید توجه داشت که ارزش پول از مقوله تورم جدا نیست و این دو مقوله در یک رابطه اقتصادی تنگ با یکدیگر درگیر هستند و بر هم اثر می‌گذارند بنابراین تعریف دقیق ربا و تعیین میزان و اندازه آن بسیاری از مشکلات و ابهامات فعلی را برطرف خواهد کرد. این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران معتقد است، اگر به بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگاه کنیم، مسائلی را بهتر متوجه خواهیم شد و سوال اینجا است که یک بانک چطور می‌تواند به سپرده مردم ۱۸ درصد سود بدهد اما وام را با بهره ۱۲ درصد ارایه کند؟ در چنین شرایطی بانک دچار مشکل مالی شده و تعطیل می‌شود. باید توجه داشت که بخش تولید نیاز به پول ارزان ندارد بلکه واقعی بودن گردش‌های مالی مهم است.

وی می‌گوید: با حذف سود بانکی از سپرده‌های مردم، دیگر علتی وجود ندارد که بتوان براساس آن مردم را متقاعد به سپرده‌گذاری در بانک‌ها کرد و به طور قطع آنها سرمایه خود را به بخش‌های سودده دیگری هدایت خواهند کرد، بنابراین این طرح اجرایی نخواهد بود، زیرا وقتی سپرده‌گذاری در بانک‌ها صورت نگیرد بانک نقدینگی لازم برای سرمایه‌گذاری را نخواهد داشت و در این صورت راه سرمایه مردم از اهداف ترسیم شده دولت جدا می‌شود که با این شرایط نیز تحقق اهداف غیرممکن به نظر می‌رسد.

**احمد ترک نژاد،** عضو کمیسیون بانک و بیمه اتاق تهران نیز عقیده دارد که اتخاذ هر تصمیم در بازار پول که همان سیستم بانکی است، باید متأثر از شاخص‌های اقتصادی کلان کشور باشد و ما نمی‌توانیم در زمانی که رشد نقدینگی ۴۰ درصد و نرخ تورم ۲۰ درصد است، سیاست‌های مغایر با این شرایط بر سیستم بانکی حاکم کنیم زیرا این مسائلی مجموعه‌ای به هم پیوسته هستند که در کنار یکدیگر ترجمان منطقی دارند.

به گفته وی، در مورد تغییر ساختار بانک‌ها پیش از هر اقدامی باید به این پرسش پاسخ داد که آیا پول در ایران دارای ارزش است یا خیر و اگر در طول زمان ارزش آن متغیر است، آیا یک واحد پول





✓ **بهرامی ارض اقدس :**  
**هر تصمیم شتابزده و**  
**غیر منتظره‌ای باعث متزلزل شدن**  
**کل اقتصاد کشور می‌شود و**  
**یکی از گرفتاری‌های اقتصاد**  
**کلان کشور بی‌ثباتی**  
**تصمیمات است.**

وقتی سپرده‌گذاری مردم کاهش یابد، آنها نیز منابع مالی در اختیار نخواهند داشت. اگر نرخ تورم منطقی و رقمی زیر پنج درصد بود، در آن صورت فضای حاکم بر تصمیم‌ها منطقی بود و این اهداف احتمال تحقق داشتند اما اکنون شرایط حاکم بر اقتصاد کلان کشور، وضعیت رشد اقتصادی، میزان نقدینگی، نرخ مبادله ارز، نگرانی جامعه برای زمین و مسکن و بسیار عوامل موثر دیگر مانع از کارآمد بودن این طرح‌ها و اهداف است که نشاندهنده این است که فضای حاکم بر این طرح‌ها با آنها مناسبتی ندارد و انجام آن در چنین زمانی تنها باعث لطمه بیشتر به ساختار اقتصادی می‌شود.

**محسن بهرامی ارض اقدس**، عضو کمیسیون بانک و بیمه و بورس اتاق بازرگانی تهران نیز معتقد است: براساس سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی قرار شده است تا تعدادی از بانک‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شوند از جمله بانک‌های تجارت، ملت و صادرات اما اکنون می‌بینیم که به جای اجرای اصل ۴۴ و برنامه‌های پیش‌بینی شده برای آن، دوباره طرح جدیدی که بارها از سوی مسوولان دولتی غیر کارشناسی و غیررسمی خوانده و تکذیب شده، مطرح شده است که به طور کامل مغایر با سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی است. از سوی دیگر، هم اکنون نیز تمام بانک‌ها فعالیت‌های قرض‌الحسنه سرمایه‌گذاری را دارند، بنابراین تبدیل و ادغام آنها به ۲ دسته قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری

طرحی جا نیفتاده است که به صلاح نظام پولی کشور نیست.

البته هنوز چارچوب مشخص آن ارایه نشده است و روش منطقی کار این است که طراحان طرح باید آن را مطرح کرده، رئوس و کلیات آن را در اختیار کارشناسان کمیسیون بانک و بیمه اتاق بازرگانی قرار دهند و کل طرح را توضیح داده و از آن دفاع کنند و به شرح نقاط قوت و ضعف آن بپردازند تا بخش خصوصی بتواند پس از کسب اطلاعات کامل درخصوص آن، در مورد نقاط قوت و ضعف طرح یاد شده، اظهار نظر کند. اما آنچه که اکنون مطرح شده و کلیات آن ادغام تمام بانک‌ها در قالب دو دسته بانک قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری است، به این شکلی که در افکار عمومی مطرح است، به هیچ روی منطقی و دارای توجیه اقتصادی و مالی نیست.

وی می‌افزاید: اکنون متأسفانه پیش از آنکه خصوصی سازی انجام شود، روند آن در حال متوقف شدن است و با اتخاذ هر تصمیم اینچنینی طرح واگذاری‌ها به تعویق می‌افتد. اگر هنوز قصد واگذاری وجود دارد، باید نسبت به وضعیت باقی مانده بانک‌ها نیز تصمیم گرفت، زیرا ابهام در مورد ادامه فعالیت بانک‌های خصوصی در بازار بورس و قیمت آنها اثرگذار خواهد بود و در تصمیم‌بخش خصوصی برای خرید سهام آنها نیز تاثیر مستقیم دارد.

بنابراین تا زمانی که تکلیف طرح ادغام بانک‌ها و تغییر ساختار بانک‌ها به صراحت مشخص نشود، مردم و بخش خصوصی استقبالی از خرید سهام آنها نخواهند کرد.

از سوی دیگر، طرح ادغام بانک‌ها به علت حذف فعالیت‌های ربوی ادعایی غیرمنطقی است و به این معنا است که تاکنون فعالیت بانک‌ها ربوی بوده است که این شرایط خلاف عرف و قوانین جمهوری اسلامی ایران است، زیرا اکنون چند سالی است که قانون بانکداری بدون ربا در حال اجرا است و مردم به آن اعتماد کرده‌اند اما اینکه ادعا شود فعالیت بانک‌ها تاکنون ربوی بوده برخلاف فتاوی مراجع تقلید و مشروعیت نظام و قوانین مصوب مجلس و شورای نگهبان است، بنابراین زیر سوال بردن این قانون کاری خطرناک و غیرمنطقی است.

وی تاکید می‌کند: ز سوی دیگر، اگر دولت قصد ادغام بانک‌ها را به سبب فعالیت‌های موازی و مشابه دارد، می‌تواند بانک‌ها را محدود کرده و بانک توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری تاسیس کرده و اهداف توسعه‌ای را محقق کند و سایر بانک‌ها را نیز خصوصی کند، بنابراین نیازی به اجرای طرحی جدید با ابهامات اینچنینی و بلندمدت که نتیجه مشخصی نیز ندارد، نیست. اکنون درس‌ال آخر فعالیت دولت قرار

داریم و اجرای چنین طرحی نیاز به زمان بیشتر برای بررسی دقیق‌تر، مطالعه و کار کارشناسی‌ارده که همه برنامه‌هایی بلندمدت است، بنابراین انجام و اجرای آن در این فرصت محدود باقی مانده برای فعالیت دولت کاردرستی نیست.

به گفته این عضو کمیسیون بانک و بیمه و بورس اتاق بازرگانی تهران، با اجرای طرح ادغام بانک‌ها و ایجاد چنین ابهامی در وضعیت بانکی کشور، سیر خروج سرمایه‌ها و سپرده‌ها از بانک‌های دولتی و سرازیر شدن آن‌به‌سوی بانک‌های خصوصی و بازار کالامی‌شود که خود رواج نقدینگی جدیدی را به وجود می‌آورد که مشکل و بحران اقتصادی جدیدی را رقم خواهد زد.

از سوی دیگر، باید به حقوق کسانی که تا به حال در بانک‌های دولتی سپرده‌گذاری کرده‌اند نیز احترام گذاشت زیرا متوقف کردن سپرده‌گذاری‌هایی که به آنها سود تعلق می‌گیرد، به معنی لغو یک طرفه این قراردادها است و متوقف کردن سوددهی آنها غیرمنطقی و غیر قانونی است.

همچنین یکی دیگر از اهداف این طرح، حمایت از تولید و تولیدکننده عنوان شده است اما به نظر نمی‌رسد که اینگونه باشد زیرا به طور مثال تا به حال کاهش سود بانکی نیز با هدف و ادعای حمایت از بخش تولید بوده است اما در عمل نتیجه و تغییری در بخش تولید مشاهده نمی‌شود، زیرا هزینه‌های مالی تولید داخلی بالا است و اکنون سه سال پی در پی است که نرخ سود سپرده‌های بانکی کاهش می‌یابد اما وضعیت نقدینگی واحدهای تولیدی نسبت به زمان بالا بردن نرخ سود بانکی بدتر است و علت این وضعیت نیز این است که نرخ سود بانکی به صورت دستوری کاهش یافته و پایین تر از نرخ تورم است.

در اینجا در واقع، نقض غرض صورت گرفته، زیرا این اقدامات با هدف کمک به بخش تولید انجام شده اما در عمل وضعیت بخش تولید بدتر از قبل شده است. دولت اکنون نرخ دستوری تسهیلات را ۱۰ درصد کرده است اما در بازار این نرخ تا ۴۰ درصد می‌رسد.

بهرامی ارض اقدس تاکید می‌کند که هر تصمیم شتابزده و غیر منتظره‌ای باعث متزلزل شدن کل اقتصاد کشور می‌شود و یکی از گرفتاری‌های اقتصاد کلان کشور بی‌ثباتی تصمیمات است.

نظام بانکی موتور محرک اقتصاد کشور است و زمانی که به این سادگی دچار تغییر شود، آثار آن در همه بخش‌ها به صورت ناامنی تزریق می‌شود و این وضعیت مهلک‌ترین سم برای اقتصاد کشور است.

